

تأثیر تنوع زبانی و حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی*

□ حیدر پیری^۱

چکیده

تحقق عدالت در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی با توجه به ماهیت چندزبانه این فرایند، نیازمند ملاک‌ها و معیارهای عینی است. حق دادرسی عادلانه به‌عنوان یک تضمین چتری، شامل تعدادی از آیین‌های شکلی است که برای فرایند دادرسی کیفری طراحی شده‌اند. برخی از جنبه‌های این تضمین مستقیماً به زبان مربوط می‌شود. زبان، هم وسیله احقاق تمام حقوق متهم است و هم یکی از معیارهای تحقق عدالت شکلی تلقی می‌شود، با فراهم کردن کمک‌مترجم رایگان در وضعیتی که متهم زبان کاری دادگاه را درک نکند یا نتواند صحبت کند. حق داشتن مترجم برای چنین متهمانی، هم به‌عنوان قاعده عرفی بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته و هم در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی قابل مشاهده است؛ لیکن صرف بیان این حق بدون اجرای صحیح و عملی آن، به معنای تضمین رعایت این حق در دادرسی‌های بین‌المللی نیست. بنابراین، سؤالی که

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶.

۱. استادیار حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (h.piri@uok.ac.ir).

مطرح می‌شود این است که زبان و مترجم به‌عنوان عامل ارتباط، چه نقشی در تحقق دادرسی عادلانه در سیستم عدالت کیفری بین‌المللی که سرشار از دادرسی‌های چندزبانه است، ایفا می‌نماید. نگارنده با تتبع در آموزه‌های حقوقی، اسناد و آرای محاکم کیفری بین‌المللی، بر این باور است حق متهمی که به زبان کاری دادگاه تسلط ندارد، برای داشتن مترجم، نه تنها با تمامی اصول دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم ارتباطی تنگاتنگ دارد، بلکه در واقع، عدم رعایت این حق می‌تواند به مفهوم نقض سایر اصول شکلی در دادرسی باشد. منطبق این حق در حمایت از متهم در برابر خودسرانگی و تضمین‌های حداقلی دادرسی عادلانه از طریق توانمندسازی متهم برای برقراری ارتباط مؤثر نهفته است؛ به ویژه در جایی که محاکمه به بیش از یک زبان برگزار می‌شود. این امر باعث شده که ساختاری امیدوارکننده برای احقاق حقوق زبانی در دادرسی‌های کیفری فراهم شود.

واژگان کلیدی: تنوع زبانی، حق بر ترجمه، دادرسی منصفانه، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، دسترسی به عدالت کیفری.

مقدمه

حق دادرسی عادلانه، مبتنی بر مفهوم آنگلو ساکسونی رعایت تشریفات قانونی^۱ است و یک هنجار اساسی حقوق بین‌الملل بشر است (Nowak, 2005: 305). حق دادرسی عادلانه در عدالت کیفری بین‌المللی به‌عنوان معیاری برای مشروعیت فرایندهای قضاوت قلمداد می‌شود (Namakula, 2014: 95). شخصی که جامعه علیه او اقدام به طرح دعوای کیفری می‌نماید، در وضعیت عدم تعادل قدرت قرار می‌گیرد. چنین شخصی در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی نهاد تعقیب، نیازمند حمایت خاص حقوقی است. این حمایت‌ها در قالب حق دادرسی عادلانه، با این واقعیت مشخص می‌شد که اجرای همه حقوق دیگر به اجرای صحیح عدالت بستگی دارد (John Henry, 2018: 161). دادرسی عادلانه فراتر از یک حق منفرد است و مجموعه‌ای از اصول و تضمینات شکلی است که به‌منظور اجرای مناسب عدالت (جعفرزاده درابی، ۱۳۹۷: ۱۱)، صیانت از حقوق ماهوی و تضمین حقوق قانونی طرفین دعوی در مراحل مختلف فرایند قضایی مقرر شده است (فضائلی، ۱۳۹۲: ۶۰).

1. Due process.

بنابراین، دادرسی عادلانه فرایندی است مبتنی بر برخورداری متهم از کلیه حقوق دفاعی، امکانات و شرایط برابر با طرف خویش جهت تدارک دفاع، که نقض معیارهای آن موجب سلب وصف انصاف از دادرسی خواهد بود (فتحی و هادی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

تضمین‌های دادرسی عادلانه، شامل یک جزء ناشناخته اما حیاتی در فرایند حقیقت‌یابی است که بر سایر جنبه‌های حق دادرسی عادلانه تأثیر می‌گذارد؛ حقوق زبانی. مشارکت‌کنندگان در یک محاکمه باید آنچه را که در جریان دادرسی گفته می‌شود، درک کنند تا بتوانند مدارکی ارائه کنند، شواهد آن‌ها بررسی شود، دفاع کنند، و نهایتاً مورد قضاوت قرار گیرند. بنابراین، استماع عادلانه با رعایت عدالت و انصاف رویه‌ای همراه با تضمین‌های لازم برای متهم پشتیبانی می‌شود. این تضمین‌ها در میان سایر موارد، مستلزم اطلاع از حقوق دفاعی (شاهد و مهر، ۱۳۹۲: ۲۴)، آگاهی سریع و دقیق در مورد ماهیت و علت اتهام به زبانی که متهم می‌فهمد و برخورداری از کمک‌مترجم رایگان است. متهم حق مشارکت کامل در دادرسی دارد. در صورتی که متهم زبان دادرسی را درک نکند، نمی‌تواند به‌طور مؤثر از حقوق خود دفاع کند. این امر مستلزم کمک‌مترجم و حق بر ترجمه است. اگر کمک‌مترجم برای متهمی که تسلط کافی بر زبان دادگاه ندارد، فراهم نشود، نه تنها دسترسی وی به عدالت مختل می‌شود، بلکه سخن گفتن از دادرسی عادلانه بیهوده خواهد بود (صابر، ۱۴۰۱: ۲۴۴). این حق، محدود به وضعیتی نیست که متهم به زبان مورد استفاده در دادگاه صحبت نمی‌کند؛ بلکه به متهمانی که دارای اختلالات شنوایی یا گفتاری هستند نیز تسری می‌یابد. بنابراین حق داشتن مترجم، در صورت لزوم شامل حق داشتن مترجم زبان اشارات نیز می‌شود.^۱

زبان^۲ قدمتی به بلندای عدالت کیفری دارد. عدالت کیفری بین‌المللی حول محور

۱. مبنای قانونی حق برخورداری از خدمات مترجم در نظام حقوقی ایران در مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱، حق برخورداری از مترجم به‌صورتی مطلق برای تمامی طرف‌های رسیدگی کیفری اعم از متهم، بزه‌دیده، شاهد و... مورد شناسایی قرار گرفته و با پیش‌بینی چنین حقی در مرحله تحقیقات مقدماتی، گامی به سوی برابری سلاح‌ها برداشته شده است (توسلی نائینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸).

۲. مسئله زبان دارای دو جنبه اساسی است: زبان به‌عنوان عامل ارتباط و ساختاردهنده به همه ادراکات جهان، و زبان به‌عنوان موضوع هویت در گفتمان حقوق اقلیت‌ها. زبان در عدالت کیفری بین‌المللی عمدتاً به عامل ارتباط در اجرای عدالت و درک قانون و فرایندهای حقوقی مرتبط است (Schmalz, 2020: 103).

زبان می‌چرخد. برای متهمانی که به زبان دادگاه صحبت نمی‌کنند، زبان هم عامل مهمی در دسترسی به عدالت است و هم مانعی برای اجرای عدالت. از یک طرف، زبان یکی از عوامل تعیین‌کننده در رعایت تشریقات قانونی دادرسی‌های کیفری است؛ از طرف دیگر، موانع زبانی و انکار حق داشتن مترجم، یک مانع جدی برای دادرسی منصفانه و مشارکت کامل است (McEvoy, 2023: 143). دادرسی یک فرایند ارتباطی است، زبان بیانگر تمامیت و نتایج آن است و همچنین وسیله احقاق تمام حقوق متهم است (Namakula, 2014: 143). زبان هم در حیات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نقش اساسی دارد و هم در چشم‌انداز مسئولیت کیفری بین‌المللی. تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی سرشار از دادرسی‌های چندزبانه است که بحث در خصوص تأثیر تنوع زبانی بر دادرسی عادلانه در فرایند محاکمه را به میان آورده است. غیر از زبان‌های رسمی و کاری محاکم کیفری بین‌المللی، زبان‌های متعدد دیگری وجود دارند که شهود و قربانیان با پیشینه‌های گوناگون در موارد و موقعیت‌های مختلف استفاده می‌کنند. آن‌ها عمدتاً زبان‌های محلی و قبیله‌ای هستند که اغلب فاقد واژگان لازم برای توصیف مسائل پیچیده حقوقی، مفاهیم و پدیده‌های حقوق ماهوی یا شکلی مدرن می‌باشند. همیشه مفاهیم محلی خاصی وجود دارند که ترجمه آن‌ها به یک اصطلاح غیرممکن است. علاوه بر این، زبان‌های دیگر ممکن است واژگان حقوقی یا تاریخی - حقوقی خاص خود را داشته باشند که معنای مناسب آن نیازمند تأمل است. بنابراین، تنوع زبانی یک ویژگی متناوب و مشکل‌ساز در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی است. موانع زبانی، یک مانع جدی برای دادرسی منصفانه و مشارکت کامل است. این امر، تمام مراحل دادرسی از جمله مرحله تحقیقات، ارائه مستندات، تفسیر شواهد، دفاع از اتهامات، و شور دادگاه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تضمین کارایی زبان در فرایند دادرسی کیفری، خدمت تبادل صرف آراء نیست که محاکم ارائه می‌کنند، بلکه حق ذاتی همه مشارکت‌کنندگان در دادرسی اعم از اشخاص متهم یا محکوم، بزه‌دیدگان، شهود، همچنین وکلا و قضات و دوستان دادگاه^۱ است.

1. Amici curiae.

عدالت کیفری بین‌المللی از دادگاه‌ها و نهادهایی تشکیل شده است که مقرر آن از متهم و قربانی دور است. این امر، عدالت کیفری بین‌المللی را به یک مرکز چندزبانه بدل کرده است. در این چارچوب، ارتباط یک عامل کلیدی برای دفاع متهم از خود، صحبت با وکیل و بحث با شهود و به چالش کشیدن ادله است. به این دلایل، مبدأ حقوق متهم در دادگاه، درک زبان/زبان‌های کاری دادگاه است. بنابراین، یکی از لوازم و اقتضانات دادرسی عادلانه آن است که متهم از محتوا و ماهیت اتهامات وارد به خود آگاه شود و از جریان مذاکرات دادگاه و ظرافت‌های لفظی این مذاکرات مطلع گردد (صابر، ۱۳۸۸: ۱۶۶). این امر مستلزم آن است که یا متهم زبان دادگاه را درک کند و یا مطالب برای او ترجمه شود. دادرسی کیفری، زمانی می‌تواند در مسیر درست حرکت نماید که کلیه معیارهای دادرسی عادلانه در تمام مراحل دادرسی لازم‌الاجرا باشد (بابایی و افراسیابی، ۱۳۸۹: ۴۱). طبیعی است که برخورداری از حق بر مترجم صرفاً به مرحله تحقیقات مقدماتی اختصاص ندارد؛ بلکه مرحله رسیدگی را هم در بر می‌گیرد.

مسائل زبان در محضر محاکم کیفری بین‌المللی همواره وجود داشته است. تنوع صلاحیت زبانی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، تدوین استراتژی‌های کاری را که چندزبانی را سازماندهی کند، ضروری کرده است. این راهبردها هم به ارتباط شفاهی و هم کتبی مربوط می‌شود. اولین اقدام در این راستا، بررسی مقررات هنجاری برای زبان‌های رسمی و کاری است که نشان‌دهنده مهارت زبان مشارکت‌کنندگان در دادرسی است. گام دوم با توجه به مجموعه چندزبانه مشارکت‌کنندگان در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، ضرورت توجه به حق متهم بر ترجمه در فرایند رسیدگی است که به‌زعم برخی به‌عنوان قاعده عرفی بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است (Sherman, 2017: 257). گام سوم، چارچوب حمایت از این حق در رویه بین‌المللی است که ساختاری امیدوارکننده برای احقاق حقوق زبانی در دادرسی‌های کیفری فراهم می‌کند.

بنابراین، این مقاله بر نقش زبان به‌عنوان عامل ارتباط در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی و حاکمیت قانون تمرکز دارد. هدف از این مقاله، اثبات این موضوع است که انجام محاکمه به بیش از یک زبان، چگونه بر روند دادرسی به‌ویژه بر حقوق شخص متهم تأثیر می‌گذارد. پیچیدگی‌هایی مانند سوء تفاهم، کوتاهی و قصور در

ترجمه، فاصله فرهنگی بین شرکت‌کنندگان در محاکمه، بر ارتباط دادگاه، ارائه و درک شواهد تأثیر می‌گذارد و از این رو، اعتبار یک محاکمه را به چالش می‌کشد. تأثیر ترجمه بر دادرسی نیز تنوع زبانی در دادرسی‌های کیفری را به یک نگرانی دادرسی عادلانه تبدیل می‌کند. بنابراین، این سؤالات قابل طرح هستند که چه ارتباطی بین تضمین‌های حق بر زبان و عادلانه بودن کل فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی وجود دارد؟ متهم از حق محاکمه عادلانه و به‌ویژه حقوق حداقلی خاصی برخوردار است که اگر این حداقل حقوق نادیده گرفته شود، چگونه محاکمه می‌تواند عادلانه باشد؟ آیا احقاق حق کلی دادرسی عادلانه نیازمند استفاده از مترجم در دادگاه است؟ محاکم کیفری بین‌المللی، استانداردها و ضمانت‌های حق بر مترجم را که یکی از حقوق دفاعی متهم بر اساس اسناد کیفری بین‌المللی است، چگونه توسعه داده‌اند؟

ضرورت تحقیق و نگارش در باب حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه، از وجود واقعی برمی‌خیزد که این مفهوم، چاره‌جویی و تلاشی است برای عمل به موازین شکلی حقوق کیفری بین‌المللی. در خصوص پیشینه تحقیق و نیز وجه نوآوری مقاله حاضر باید گفت نگرش به حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی و نگاه روشمند به آن در عرصه داخلی سابقه‌ای ندارد. در کشور در آثار تألیفی یا ترجمه‌شده در خصوص آیین دادرسی کیفری بین‌المللی، مطالبی به‌طور کلی در مورد حق داشتن مترجم دیده می‌شود (برای نمونه ر.ک: صابر، ۱۴۰۱: ۲۵۰-۲۵۴؛ کرابیر و دیگران، ۱۳۹۳: ج ۳؛ سافرلینگ، ۱۳۹۷). اما نگارنده به اثر خاصی که موضوع مقاله را مورد بحث قرار داده باشد، برنخورده است. اما در سطح بین‌المللی به‌دلیل اهمیت اساسی حق بر زبان و ترجمه در دادگاه‌ها، پژوهش‌هایی صورت گرفته است (Cf. Olsen et al., 2009; Birzu, 2016; Brown-Blake, 2006; Tomić & Montoliu, 2013) لیکن نگرش به حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه، عمدتاً در آثار تحقیقی چند سال اخیر به‌ویژه در ارتباط با آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و رویه کمیته حقوق بشر ملاحظه می‌شود (Cf. Vogiatzis, 2022; Sharma, 2020; Schmalz, 2020; Sherman, 2017; Namakula, 2014) و پیشینه طولانی ندارد. از این رو، نگارنده با اثر خاصی که مستقلاً موضوع مقاله را به شکل حاضر به انجام رسانده باشد، برخورد نکرده است.

با توجه به آنچه اشاره شد، در این مقاله ابتدا به تنوع زبانی در دادرسی‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و ضرورت مشارکت مترجم در فرایند دادرسی نظری می‌افکنیم. سپس مبانی و مستندات حق برخورداری از مترجم در اسناد الزامی و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بیان می‌شود. در ادامه، جایگاه حق بر ترجمه در تحقق اصول دادرسی عادلانه تشریح می‌گردد. در نهایت، به موانع و چالش‌های حق بر ترجمه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۱. تنوع زبانی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی؛ ضرورت مشارکت

مترجم در فرایند دادرسی

فرایند جهانی شدن، تصویری زیانزد از تعامل بین عوامل زبانی و فرهنگی در ساحت گفت‌وگو هم در حوزه‌های تخصصی و هم در زمینه‌های عمومی ارائه کرده است (Olsen et al., 2009: 55). رویه کیفری حقوق بین‌الملل نیز از این قاعده مستثنا نیست. ما باید به تاریخ نگاه کنیم تا ببینیم ترجمه در دادرسی‌های بین‌المللی، چگونه توسعه یافته است. بحث زبان به اولین دادرسی‌های کیفری بین‌المللی بعد از جنگ دوم جهانی، یعنی دادگاه چندزبانه نورنبرگ بازمی‌گردد. مطابق مواد ۲ و ۲۵ منشور ۱۹۴۵ لندن، زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و روسی، زبان‌های دادرسی، اما متهمان آلمانی زبان بودند. مشکل زبان در دادرسی‌های دادگاه نظامی بین‌المللی خاور دور، بیشتر از نورنبرگ بود. بر اساس ماده ۹ (ج) منشور ۱۹۴۶ توکیو، زبان دادرسی انگلیسی، اما زبان متهمان ژاپنی بود (Wanhong, 2006: 1680). ژاپنی یکی از دشوارترین زبان‌ها برای ترجمه به انگلیسی و خطا در آن اجتناب‌ناپذیر بود. شو اونودرا^۱ مترجم اصلی محاکم توکیو اذعان داشت که ترجمه مستقیم برخی اصطلاحات و عبارات در دادرسی به انگلیسی تقریباً غیرممکن است (Maga, 2001: 15-16).

زبان‌های کاری دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا انگلیسی و فرانسوی بودند. متهمان دادگاه نخست، زبان‌های بومی بوسنیایی، کرواتی، صربستانی،

آلبانیایی و مقدونی داشتند.^۱ زبان «کینیا رواندا»^۲ زبان بومی و مادری متهمان، شهود و قربانیان اغلب در دادرسی‌های رواندا استفاده می‌شد. علی‌رغم این واقعیت که هیچ‌کدام از قضات دادگاه، اهل رواندا نبوده یا به زبان کینیا رواندا صحبت نمی‌کردند، ۹۰ درصد شهادت شهود به این زبان استماع گردید. محاکم فوق از ترجمه‌های متوالی و زنجیره‌ای استفاده می‌کردند. شهادت شهود و اظهارات متهمان معمولاً ابتدا به فرانسوی و سپس از فرانسوی به انگلیسی ترجمه می‌شد (Swigart, 2017: 200). همین امر نه تنها بر کیفیت حقایق ارائه‌شده به دادگاه تأثیر می‌گذاشت بلکه باعث تأخیر قابل توجهی در عملیات دادگاه و طولانی شدن مدت زمان محاکمه (Wald, 2001: 92) و در نتیجه تأخیر در صدور سریع احکام می‌شد (Swart, 2006: 132). به دلیل مشکلات موجود در ترجمه از زبان کینیا رواندا به انگلیسی و فرانسوی، محاکمات دادگاه رواندا بسیار طولانی بودند و در معرض تأخیرهای گوناگون قرار داشتند (کرایبر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱/۲۳۲).

وضعیت در دادگاه‌های مختلط از دو جهت متفاوت بود. با توجه به ترکیب قضات داخلی در کنار قضات بین‌المللی، قضات داخلی اظهارات برخی از شهود و متهمان را به زبان‌های محلی بدون نیاز به مترجم می‌فهمیدند. همچنین تنوع زبان‌های متهمان و شهود در کنار زبان‌های کاری دادگاه‌ها و دیگر زبان‌های محلی بسیار زیاد بود. مطابق ماده ۱۴ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، زبان‌های رسمی و کاری، عربی و فرانسوی و انگلیسی بود، اما متهمان، قربانیان و شهود در دادرسی شفاهی اجازه داشتند از یکی از این زبان‌های رسمی استفاده کنند. زبان‌های کاری رسمی شعبات فوق‌العاده در محاکم کامبوج، انگلیسی و فرانسوی بود. علی‌رغم اینکه زبان کاری دادگاه ویژه سیرالئون، صرفاً انگلیسی بود؛ اما با توجه به تنوع و پیچیدگی‌های زبانی متهمان، قربانیان و شهود،^۳ دادگاه ترجمه را به شش زبان اصلی سیرالئون و انگلیسی مقرر می‌داشت که وضعیت را

1. ICTY Translation and Interpretation, <<https://www.icty.org/sid/165>>.

2. Kinyarwanda.

۳. سیرالئون ۱۷ گروه قومی را در بر داشت که به دو خانواده گسترده زبانی، ۷ زبان مانده (Vai, Kono, Loko, Koranko, Soso, Yalunka and Mandingo) و ۸ زبان آتلانیک غربی (Temne, Limba Bullom, Sherbro, Kissi, Gola, Krim, Fula and Creole (Krio)) طبقه‌بندی می‌شود (Alie, 1985: 1).

از محاکم دیگر پیچیده‌تر می‌نمود. دادگاه از ترجمه‌های زنجیره‌ای استفاده می‌کرد. برخلاف محاکم فوق، در دیوان کیفری بین‌المللی برای هر پرونده، زبان‌های متفاوتی وجود دارد؛ زیرا کشورها و وضعیت‌های ارجاعی متفاوتی مطرح هستند. دیوان در حال حاضر، جلسات استماع و انجام تحقیقات را به حدود ۳۰ زبان برگزار می‌کند.^۱ چهار طبقه زبانی در دیوان وجود دارد؛ زبان‌های کاری^۲ (انگلیسی و فرانسه)، زبان‌های رسمی^۳ (انگلیسی، عربی، چینی، فرانسوی، روسی و اسپانیولی)، زبان‌های ارتباطی یا همکاری قضایی^۴ و در نهایت زبان‌های وضعیت.^۵ زبان‌های ارتباطی زبان‌هایی هستند که دولت‌های عضو و سایر دولت‌ها یا نهادها برای ارتباط با دیوان انتخاب می‌کنند. اما زبان‌های وضعیت در مرحله تحقیقات، بخش مقدماتی و بدوی عمدتاً برای حفظ حقوق متهم استفاده می‌شود، زمانی که متهمان یا شهود به‌طور کامل یکی از زبان‌های کاری دادگاه را درک نکنند (Sharma, 2020: para. 3). در نتیجه، در محاکم کیفری بین‌المللی برای کنترل تأثیر تنوع و موانع زبانی بر دادرسی عادلانه، خدمات کمک‌مترجم ضروری و بسیار رایج شده است.

۲. جایگاه حق بر ترجمه در اسناد الزامی حقوق کیفری بین‌المللی

برای تحلیل تأثیر احتمالی مترجمان بر حق برخورداری از یک دادرسی عادلانه در چارچوب حقوق کیفری بین‌المللی، نقطه منطقی بحث، بررسی حق الزامی متهم بر استفاده از زبان خود^۶ و داشتن مترجم^۷ است.

آگاهی فزاینده‌ای در سطح بین‌المللی در مورد اهمیت زبان در تضمین حق دسترسی به دادگاه‌ها و عدالت وجود دارد (Bacik, 2007: 109). در سطح بین‌المللی، این

1. See: Translating Justice: Interpreters keep International Courts Running, The International Criminal Court in The Hague, Netherlands, Molly Quell, September 3, 2022.
2. Working languages.
3. Official languages.
4. Judicial cooperation languages.
5. Situation languages.
6. The right to language use in court.
7. The right to interpretation and translation.

یک قاعده تثبیت شده است که حق دادرسی عادلانه شامل حق محاکمه به زبانی که فرد درک می‌کند، می‌شود. بنابراین، حق داشتن مترجم که به حق مساعدت زبان^۱ نیز تعبیر شده است (Delmas-Marty & Spencer, 2002: 559)، بخش جدایی‌ناپذیر حق دادرسی عادلانه در حقوق بین‌الملل است (Waterhouse, 2009: 46).

وقتی متهم با دادگاه زبان مشترکی ندارد، لایه‌ای از نگرانی و فشار روانی ایجاد می‌شود. به‌عنوان وسیله‌ای برای کاهش استرس، حق داشتن مترجم در بسیاری از معاهدات حقوق بشری اعم از عام و خاص و اسناد کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است (McEvoy, 2023: 142). قسمت الف از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد:

«هر شخص دستگیر شده باید بی‌درنگ و به زبانی که می‌فهمد، از دلایل دستگیری هر اتهامی که علیه او اقامه شده است، مطلع گردد».

اعمال این حق باید به‌صورت رایگان در تمامی مراحل دادرسی وجود داشته باشد (محمودی‌جانکی و جلیل‌پیران، ۱۴۰۰: ۳۲۴). در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده است:

«هر کس متهم به ارتکاب جرمی می‌شود، باید در اسرع وقت به تفصیل و به زبانی که می‌فهمد، از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع گردد».

همچنین در ماده ۱۴(۳)(و) میثاق آمده است:

«هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود، اگر زبان مورد استفاده دادگاه را نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن زبان تکلم کند، حق دارد از کمک مترجم رایگان برخوردار شود»^۲.

1. Linguistic assistance.

۲. این مقرر در قسمت پنجم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قسمت نخست بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز به‌صراحت پیش‌بینی شده است. اما منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها حق برخورداری از مترجم را تضمین نکرده است. در این راستا، در سال ۱۹۹۲ کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، قطعنامه‌ای را تصویب نمود که در چارچوب آن، حق متهمان برای برخورداری از مترجم صراحتاً شناسایی شده است (African Commission on Human and Peoples' Rights, 1992: para. 2).

3. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966. Art. 14(3)(f).

از عبارت «مورد استفاده دادگاه»^۱ می‌توان فهمید که این عبارت به دادرسی (ترجمه) شفاهی اشاره دارد، اما حق ترجمه اسناد کتبی به‌صراحت پیش‌بینی نشده است. با این حال، هم در دکتین و هم در رویه نهادهای حقوق بشری، این دیدگاه پذیرفته شده است که حق بر مترجم شامل ترجمه تمامی اسناد، مدارک و اظهارات مربوط به محاکمه و مؤثر در دفاع می‌شود و اقتضای محاکمه عادلانه چنین است. این حق به‌طور یکسان نسبت به بیگانگان و اتباع قابل اعمال است؛ اما توسط شخصی که به زبان دادگاه تسلط دارد، نمی‌تواند مطالبه شود. در صورت اعطا، حق برخورداری از مترجم رایگان در حقوق بین‌الملل، یک حق مطلق بدون در نظر گرفتن وضعیت مالی متهم است (Sherman, 2017: 288) و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را با درخواست وجه از متهم در صورت محکومیت محدود کرد (Lawyers Committee for Human Rights, 2000: 19).^۲

این حق در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ زیرا همواره امکان اینکه متهمان این محاکم به زبان‌های کاری دادگاه‌های بین‌المللی آشنا نباشند، وجود دارد. به این جهت، این حق با صراحت بیشتری در این محاکم پذیرفته شده است (صابر، ۱۴۰۱: ۲۵۱). ماده ۹(ج) منشور دادگاه توکیو در خصوص دادرسی عادلانه برای شخص متهم مقرر می‌دارد: «اسناد و سایر مدارک در صورت نیاز و درخواست ترجمه می‌شود». در بند الف مقرر شده که رونوشتی از کیفرخواست و هرگونه اصلاحیه بر این منشور، به زبان قابل فهم برای متهم ارائه می‌شود.^۳ بند ج ماده ۱۶ منشور نورنبرگ نیز بیان می‌دارد:

(بازجویی مقدماتی و یا محاکمه متهم می‌بایست یا به زبانی که برای متهم به‌خوبی قابل درک است، انجام پذیرد یا به آن زبان ترجمه شود).

1. Used in court.

۲. دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضیه لودویک، بلکام و کک علیه آلمان اعلام داشت منظور از اصطلاح رایگان، بهره‌مندی از خدمات مترجم در تمام فرایندهای دادرسی است و نه حق معافیت موقت از پرداخت هزینه. این حق، مستقل از نتیجه نهایی محاکمه است. دیوان تصریح کرد حق معافیت موقت از پرداخت، به حق متهمی که آن زبان را نمی‌فهمد و قادر به صحبت نیست، در مقایسه با شخصی که با آن زبان آشنا بوده است، لطمه وارد می‌سازد (ECtHR, 1980: 20).

3. Charter of the International Military Tribunal for the Far East, 1946, Art. 9(c).

همچنین کلیه اتهامات و مدارک همراه آن، پس از ترجمه به زبانی که متهم به‌خوبی درک می‌کند، به وی تسلیم می‌گردد.^۱

اساسنامه و قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا به‌صراحت حق متهم برای استفاده از زبان خود را به‌رسمیت می‌شناسند. ماده ۲۱(۴)(و) اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق مقرر می‌دارد:

«هرگاه متهم نتواند به زبان مورد استفاده در دادگاه تکلم کند یا آن را به‌خوبی درک نماید، می‌تواند از کمک مترجم رایگان بهره‌برد».

بند اول همین مقرر، آگاهی فوری و به‌تفصیل متهم از ماهیت و دلایل اتهام را با زبانی که به‌خوبی درک می‌کند، پیش‌بینی کرده است.^۲ در ماده ۲۰(۴)(و) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا،^۳ ماده ۳۰(۴)(۱) اساسنامه دادگاه ویژه لبنان،^۴ ماده ۱۷(۴) اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون^۵ و بندهای اول و ششم ماده ۳۵ قانون تأسیس شعب فوق‌العاده دادگاه کامبوج^۶ مقرر فوق به‌صورتی مشابه بیان شده است.

بر اساس بند ۳ ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، شخص مظنون حق دارد که مطالب برای وی به زبانی که به‌خوبی متوجه می‌شود و تکلم می‌نماید، در مرحله تحقیقات ترجمه شود. در ماده ۲۱(۴)(الف) و (و) این اساسنامه، این حق برای مرحله محاکمه نیز مورد تضمین قرار گرفته است. در مواد ۱۷(۳) و ۲۰(۴)(الف) و (و) اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا نیز این حق در خصوص هر دو مرحله تحقیق و رسیدگی در دادگاه مورد تأکید قرار گرفته است. مواد ۱۵ و ۱۶ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان و ماده ۲۴ قانون تأسیس شعب فوق‌العاده دادگاه کامبوج نیز حق برخورداری از کمک مترجم رایگان را در مرحله تحقیقات در صورتی که متهم

1. Charter of the International Military Tribunal (London Agreement), 1945, Art. 16(c).
2. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1993, 21(4)(a, f).
3. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, 1994, Art. 20(4)(a, f).
4. Statute of the Special Tribunal for Lebanon, 2007, Art. 30(a, d).
5. Statute of the Special Court for Sierra Leone, 2000, Art. 17(4).
6. Law on the Establishment of the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia, 2004, Art. 35(a, f).

زبان مورد استفاده در بازجویی را درک نکنند یا نتوانند به آن زبان صحبت کنند، پیش‌بینی کرده است.

اساسنامه رم به‌طور خاص، ضرورت ترجمه و حق برخورداری از مساعدت زبانی برای تضمین دادرسی منصفانه را مقرر می‌نماید. در خصوص حقوق اشخاص در حین تحقیق، ماده ۵۵(۱)(ج) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد:

«باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا بهره برد. مساعدت مترجم در صورتی است که بازجویی‌ها از اشخاص به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می‌کند، صورت گیرد».

به علاوه و مهم‌تر از همه، ماده ۶۷(۱)(و) اساسنامه رم در خصوص حقوق متهم بیان می‌دارد:

«اگر رسیدگی دیوان و یا مدارکی که در محاکمه ارائه می‌شود، به زبان دیگری غیر از زبانی است که متهم کاملاً درک کرده و یا صحبت می‌کند، وی می‌تواند به‌صورت رایگان از مساعدت مترجم کارآمد و همچنین ترجمه‌هایی که در یک محاکمه عادلانه لازم است، بهره‌مند شود».

همچنین مقرر فوق در بند الف مقرر می‌دارد:

«متهم به زبانی که کاملاً درک کرده و با آن صحبت می‌کند، بایستی فوراً و دقیقاً از ماهیت و سبب محتوای اتهام مطلع شود».

دو جنبه اصلی در مقرر فوق وجود دارد که در میثاق و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دیده نمی‌شود: این شرط که «مترجم صلاحیت داشته باشد» و متهم باید «زبان دادگاه را کاملاً درک و صحبت کند» تا از داشتن مترجم محروم شود. به نظر می‌رسد قصد اعطای حقوقی بالاتر از سایر دادگاه‌ها به متهم در دیوان کیفری بین‌المللی وجود داشته باشد. باید تفاوتی بین حق داشتن زبانی که فرد درک و صحبت می‌کند و زبانی که «کاملاً» می‌فهمد و صحبت می‌کند، وجود داشته باشد (Prosecutor v. Katanga, 2008, para. 49). واژه «کاملاً» در ماده ۶۷(۱) اساسنامه دیوان نشان می‌دهد که هر چیزی کمتر از درک کامل زبان بدون مترجم، با حداقل استانداردهای دادرسی عادلانه تداخل خواهد داشت.

۳. مستندات حق بر ترجمه در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

چارچوب حمایت از حقوق دادرسی عادلانه در رویه بین‌المللی، ساختاری امیدوارکننده برای احقاق حقوق زبانی و تضمین‌های حداقلی دادرسی عادلانه در دادرسی‌های کیفری است. قواعد دادرسی و ادله محاکم کیفری بین‌المللی مستلزم الزامات رویه‌ای است که تضمین‌های زبانی و حق شخص متهم بر کمک مترجم رایگان را محقق می‌شمارد. با تحلیل منابع حقوق زبانی متهم و شناسایی حق بر مترجم در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی^۱ می‌توان اظهار داشت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به متهمانی (یا شهود آنها) که قادر به درک زبان رسمی دادگاه نباشند یا نتوانند به آن زبان صحبت کنند این حق را اعطا کرده‌اند که به زبان مادری^۲ خود یا زبان/زبان‌های عادی ارتباطی‌شان در روند دادرسی صحبت کنند؛ چراکه تفهیم اتهام مستلزم تسلط متهم به فهم زبان دادرسی است. اگر متهم به زبان مقامات احضارکننده آگاه نباشد، جهت دفاع همه‌جانبه از خود، محق است از مترجم رایگان استفاده کند تا مبدا مهم‌ترین حق از حقوق متهم تضييع شود. البته دادگاه‌ها ملزم نیستند به ترجیحات زبانی متهمان تسلیم شوند، در صورتی که آنها صلاحیت استفاده از زبان مورد استفاده دادگاه را داشته باشند. با این حال، دادگاه‌ها باید بین حقوق دادرسی متهم برای محاکمه سریع، و منافع جامعه بین‌المللی در تضمین اجرای سریع عدالت، توازن و تعادل برقرار کنند.

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا، حق متهم برای صحبت به زبان خود در مراحل مختلف دادرسی را تصدیق کرده‌اند. به زعم این محاکم، این حق فقط متعلق به متهم نیست؛ بلکه نسبت به هر شخصی که در دادگاه حاضر می‌شود به‌جز وکلا، در صورتی که زبان‌های کارهای دادگاه را درک نکند، قابل اعمال است.

۱. مواد (۱)۵۵(ج) و (۱)۶۷(و) اساسنامه رم، مواد (۳)۱۸ و (۴)۲۱(و) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، مواد (۳)۱۸ و (۴)۲۰(و) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، مواد ۱۵، ۱۶ و (۴)۳۰(۱) اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، ماده (۴)۱۷ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، و ماده ۲۴ و بندهای اول و ششم ماده ۳۵ قانون تأسیس شعب فوق‌العاده دادگاه کامبوج.
۲. در این میان، این دیدگاه وجود دارد که زبانی که متهم کاملاً درک کند، لزوماً زبان مادری او نیست (صابر، ۱۴۰۱: ۲۵۲).

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه کوپرسکید و کونراچ، حق برخورداری از مترجم را صرفاً یک حق ضروری برای قادر ساختن متهم برای شرکت در دادرسی قلمداد نمی‌کند، بلکه این حق را به‌عنوان یک عنصر اساسی برای قادر ساختن محاکم و قضات در ارزیابی اعتبار و حصول اطمینان شهود و افراد متهم شناسایی کرده است (ICTY, 2001: 32; ICTY, 2002: 40). همین امر در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در قضیه روتاگاندا و باگیلیشما مورد تصدیق قرار گرفته است (ICTR, 2003: 21; ICTR, 2002: 12). دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه لوبانگا، دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا به ترتیب در قضایای کوپرسکید و باگیلیشما، وجود هنجارهای بین‌المللی در خصوص کمک زبان (حق بر ترجمه) را با ارجاع به آرای اساسی دادگاه‌ها و محاکم مختلف نشان داده‌اند (ICC, 2006: 6; ICTR, 2002: 12; ICTY, 2001: 32). این رویه نشان می‌دهد که هرچند حق بر ترجمه صراحتاً در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یا معاهدات حقوق بشری منطقه‌ای تضمین شده است، اما این حق در حوزه‌های قضایی مختلف به اندازه‌ای مشابه است که نه تنها یک قاعده موضوعه قلمداد شود، بلکه یک هنجار بین‌المللی نیز محسوب می‌شود.

در رویه کمیته حقوق بشر، حق دادرسی عادلانه مستلزم این است که به متهم فرصت آشنایی با مدارک مستند علیه او داده شود؛ اما این امر لزوماً مستلزم ترجمه اسناد مربوطه نیست، تا زمانی که این اسناد در اختیار وکیل متهم قرار گرفته باشند که احتمالاً از نظر زبانی قادر به درک مستندات و خواندن مطالب آن‌ها می‌باشند (HRC, 1994: 9.5). این قضیه دال بر آن است که ترجمه همه اسناد مربوطه برای متهم به‌عنوان یک شرط دادرسی عادلانه لازم نیست.

دیوان اروپایی حقوق بشر صراحتاً حق متهم برای ترجمه (شفاهی) را به ترجمه همه اسنادی که درک آن برای برخورداری از یک دادرسی عادلانه ضروری است، تعمیم داده است. با این حال، ضروری بودن این حق برای یک دادرسی عادلانه، لزوم ترجمه تک تک اسناد را برای متهم منتفی می‌کند؛ زیرا هر سندی برای درک متهم از دادرسی ضروری نیست (ECtHR, 1989: 74). از این رو، پرداختن به چنین برنامه ترجمه گسترده‌ای برای متهمان نه تنها باعث تأخیر در محاکمه شده و حق متهم برای محاکمه سریع را به خطر

می‌اندازد، بلکه همچنین هزینه‌های بالایی نیز به همراه خواهد داشت. ماده ۶۷(۱)(ه) اساسنامه رم با رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه مطابقت دارد و مستلزم این است که ترجمه بایستی برای نائل شدن به عدالت و انصاف ضروری باشد. با این حال، رویه دادگاه‌های کیفری اختصاصی به نظر می‌رسد که این حق را به نام «برابری» گسترش می‌دهند و به متهمان اجازه می‌دهند که به اسناد ترجمه‌شده بسیار فراتر از آنچه دیوان اروپایی حقوق بشر ضروری به شمار می‌آورد، دسترسی داشته باشند (Stone, 2012: 172). در قضیه آکایسو، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا تناقضاتی را بین شهادت شهود در دادگاه و اظهارات قبلی آن‌ها به بازپرسان به اثبات رساندند (ICTR, 1998: para. 145). این واقعیت‌ها موانع زبانی و فرهنگی اساسی دادگاه را نشان می‌دهد. از این رو، در قضیه جمهوری دموکراتیک کنگو، دادگاه در مورد متهمان، قربانیان و شهود، زبان کاری خود را فراتر از محدودیت‌های قانونی به زبان‌های لینگالا، سواحیلی و کینگوانا گسترش داده است (Prosecutor v. Lubanga Dyilo, 2006).

دادگاه کیفری بین‌المللی در قضیه کاتانگا، حق بهره‌مندی از مترجم مقرر در ماده ۶۷ اساسنامه دیوان را حداقل تضمین‌هایی می‌داند که متهم در دادگاه، استحقاق آن را دارد. دیوان در قضیه فوق و قضیه لوبانگا، ماده ۵۵(۱)(ج) اساسنامه را به گونه‌ای تفسیر کرده است که با رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر مطابقت داشته باشد و در عین حال، استاندارد بالاتری را که در چارچوب اساسنامه رم به تصویب رسیده است، می‌پذیرد (Prosecutor v. Lubanga Dyilo, 2006: 466). به نظر دیوان، متهم زمانی یک زبان را کاملاً می‌فهمد و صحبت می‌کند که در مکالمات عادی و غیرفنی بر آن زبان مسلط باشد. لازم نیست متهم به گونه‌ای زبان دادرسی را درک کند که گویی به‌عنوان یک وکیل یا مقام قضایی آموزش دیده است. اگر در خصوص درک کامل زبان تردید وجود داشت، زبان مورد درخواست شخص متهم باید مدّ نظر قرار گیرد. در نتیجه، شعبه مورد نظر، مسئول تضمین دادرسی عادلانه متهم است (Prosecutor v. Katanga, 2008: para. 3). حتی در صورت تردید در وضعیت‌هایی که متهم به مترجم نیاز دارد، دیوان کیفری بین‌المللی مترجم فراهم نموده است. بر این اساس، دیوان کیفری بین‌المللی گام‌های بلندی برداشته تا اطمینان حاصل شود که متهم از نظر زبانی به دادگاه دسترسی دارد

(McEvoy, 2023: 154). دیوان کیفری بین‌المللی در رویه دستورالعمل‌های خاصی در رابطه با ترجمه در خصوص تصمیمات اتخاذی راجع به تأیید اتهامات صادر کرده است. شعبه مقدماتی در قضیه بامبا اعلام کرد که مهلت درخواست تجدیدنظر علیه تصمیم اتخاذی، تنها زمانی شروع می‌شد که ترجمه فرانسوی تصمیمی که اتهامات را تأیید کرده، به متهم اطلاع داده شود (Prosecutor v. Bemba Gombo, 2009: 185).

در رویه دادگاه‌های کیفری، انکار حق متهم بر ترجمه، نقض حق متهم بر دادرسی عادلانه قلمداد شده است. برخی از شعبه‌های تجدیدنظر، عدم وجود ترجمه در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی متعاقب آن را از نظر حقوقی، بی‌نظمی جدی در دادگاه تلقی کرده‌اند که می‌تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد (Brown-Blake, 2006: 396). علی‌رغم اینکه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق، اشاره‌ای به حق برخورداری از مساعدت مترجم در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی نکرده‌اند، اما این حق در رویه کیفری بین‌المللی در تمام مراحل دادرسی و رسیدگی از جمله در مرحله تحقیقات اعمال می‌شود. اقتضای دادرسی عادلانه، تحقق عدالت در تمام مراحل رسیدگی می‌باشد. لازمه تحقق اصل تساوی سلاح‌ها به‌عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه در هر مرحله از رسیدگی، مستلزم این است که متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز در صورتی که انجام تحقیقات به زبانی باشد که برای وی غیرقابل فهم است، از مساعدت یک مترجم برخوردار باشد. لذا برای اینکه شخص قادر باشد دفاعی مناسب تدارک ببیند، لازم است در صورتی که انجام تحقیقات به زبان دیگری غیر از زبانی است که او می‌فهمد، از مساعدت یک مترجم در این مرحله بهره‌بردارد. همچنین افراد ناشنوا برای برقراری ارتباط و مطلع شدن از روند محاکمه، این حق را دارند که از کمک افراد متخصص با استفاده از شیوه‌های کلامی خودشان برای مثال زبان اشاره استفاده کنند (Mole & Harby, 2006: 68). حتی اگر رسیدگی غیابی صورت گیرد و در طی این محاکمه غیابی، متهم محکوم شود، باز این حق را باید برای او در نظر گرفت.

۴. موانع و چالش‌های حق بر ترجمه در دادرسی کیفری بین‌المللی

چالش‌ها و مشکلات بی‌شماری در زمان استفاده از مترجم در دادرسی‌های کیفری

بین‌المللی وجود دارد. همین امر، دسته‌بندی آن‌ها را زیر یک عنوان دشوار می‌نماید. اما به‌طور کلی، برخی از این چالش‌ها که به کیفیت و کارایی ترجمه، کاستی‌های ترجمه، گستردگی و تنوع زبانی در دادرسی‌ها، پیچیدگی ترجمه متون حقوقی و طولانی شدن زمان دادرسی بازمی‌گردند، چالش‌های عملی و اجرایی به شمار می‌روند. برخی دیگر نیز که به فقدان یک چارچوب قانونی و تعیین استانداردهای حرفه‌ای در خصوص صلاحیت و شایستگی مترجمان و کنترل و نظارت بر کار آن‌ها بازمی‌گردند، چالش‌های قانونی و قضایی قلمداد می‌شوند.

۴-۱. موانع و چالش‌های عملی و اجرایی ترجمه در دادرسی‌های کیفری

از آنجایی که مترجم، تنها امید متهم ناتوان زبانی برای درک یا مشارکت در دادرسی است، تحقق این حقوق کاملاً به عملکرد مترجم دادگاه بستگی دارد. خطای مترجم می‌تواند نه تنها حق متهم بر ترجمه، بلکه بسیاری دیگر از حقوق محاکمه عادلانه فردی و همچنین عادلانه بودن کل دادرسی را به شدت تضعیف کند. مترجمان تنها واسطه انتقال یا افراد نامرئی در دادگاه نیستند؛ بلکه مشارکت‌کنندگان فعال و مستقل در دادرسی هستند که با مداخلات خود روند رسیدگی را تغییر می‌دهند (Nartowska, 2016: 29) و درک کاملی از روند دادرسی را برای همه مشارکت‌کنندگان در دادرسی تضمین می‌کنند. بنابراین باید روش‌هایی برای اطمینان از صحت ترجمه و همچنین آگاهی قضات و دادرسان از مشکلات و سوء تفاهم‌های احتمالی که ممکن است همراه با ترجمه باشد، وجود داشته باشد. بدیهی است در تمام دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، افرادی که به زبان متهم صحبت می‌کنند، می‌توانند نقش مهمی در بررسی صحت ترجمه اظهارات شهود و متهمان داشته باشند. در دادگاه‌های مختلط، قضات داخلی در صورت شنیدن ترجمه‌ای نادرست به زبان کاری دادگاه می‌توانستند روند رسیدگی را برای تصحیح ترجمه رسمی متوقف کنند؛ اما در دادگاه‌های کیفری رواندا و یوگسلاوی سابق، قضات دانش زبانی لازم برای انجام این کار را نداشتند. پیگیری مشکلات ترجمه و سایر سوء تفاهمات زبانی، به اعضای تیم ترجمه که به زبان / زبان‌های متهم صحبت می‌کردند، واگذار شد. دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در قضیه آکایسو،

مشکلات عملی زبانی زیادی را که در ترجمه و ارزیابی شهود وجود داشت، تشریح کرد. در واقع، یک بخش کامل از رأی آکایسو به توضیح مشکلات ترجمه و اینکه چگونه دادگاه به دنبال حل آن‌ها بود، اختصاص داشت (Almqvist, 2006: 749).

مترجمان در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی به دنبال این هستند که زبان اصلی^۱ را به زبان حقوقی و فرهنگ حقوقی زبان هدف یا مقصود^۲ انتقال و تطبیق دهند. این انتظار در مورد ترجمه مبنی بر اینکه آنچه در یک زبان گفته می‌شود، می‌تواند به زبان دیگر گفته شود، نتیجه نگاه معیوب به زبان است. بنابراین، زبان به اندازه بیان، یک نیروی پرجنب‌وجوش در تفکر انسان است. بر این اساس، زبان‌های مختلف شرکت‌کنندگان در محاکمه، بر نحوه درک شواهد و انتقال آن در جریان دادرسی تأثیر می‌گذارد. به قول یک قاضی بین‌المللی، من همه چیز را به زبان خودم پردازش می‌کنم (Namakula, 2014: 104). اندیشیدن در مورد یک چیز در زبان‌های مختلف، باعث ایجاد مسائل متمایز می‌شود. این دیدگاه، نگرانی در مورد کارایی ترجمه در انتقال ارتباطات دادگاه و توانایی آن برای پیشبرد عدالت در یک محاکمه چندزبانه را ایجاد می‌کند. با معرفی شخص ثالث به فرایند ارتباطی، پیام منتقل شده از طریق ترجمه ممکن است به شکلی متفاوت از منبع اصلی، به دست فرد مورد نظر برسد. بنابراین، محتوای ترجمه اغلب کمتر نماینده محتوای اصلی است (White, 1990: 255). با از دست دادن قرائن و شواهد، پایه‌های مستندات دادرسی عادلانه خدشه‌دار می‌شود. ترجمه اغلب به خوبی نسخه اصلی نیست. ترجمه همچنین یک روش طولانی و بسیار فنی است که اجرای آن به زمان زیادی نیاز دارد. مترجمان زمان زیادی را صرف تحقیق در مورد مواد ترجمه، ویرایش اسناد و خلق کلمات حقوقی برای زبان‌های تخصصی می‌کنند. بنابراین، ترجمه زمان دادرسی را طولانی و صدور حکم را به تأخیر می‌اندازد. نقش مترجم گسترده‌تر از تبدیل کلمات است. ترجمه شامل مطالعه واژگان، ساختار دستوری، موقعیت ارتباطی و زمینه فرهنگی سندی است که باید ترجمه شود. تجزیه و تحلیل ترجمه به منظور تعیین معنای آن و سپس بازسازی همان معنا با استفاده از واژگان و ساختاری دستوری که در

1. Original language.
2. Target language.

زبان مقصد و بافت فرهنگی آن مناسب است، کاری دشوار است (Edwards, 1995: 64). مشکلات ترجمه به طور خاص زمانی که به شهادت شهود مربوط است، چالش برانگیز است. قضات و وکلا به ندرت با زبان متهمان، شهود یا مظنونین که از فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف می‌آیند، صحبت می‌کنند. این مانع زبانی، نقش و صلاحیت مترجم را حیاتی می‌شمارد.

موفقیت یک ترجمه به میزان زیادی به دقت، طبیعی بودن و گویایی سنجیده می‌شود. ترجمه باید از کیفیت کافی برخوردار باشد تا عادلانه بودن دادرسی تضمین شود؛ به‌ویژه از طریق حصول اطمینان از این واقعیت که مظنونین یا متهمان، پرونده و اتهاماتی را که علیه آن‌ها مطرح شده است، می‌دانند و آن‌ها می‌توانند حق دفاع خود را اعمال نمایند (Birzu, 2016: 142). معیارهای تعیین تأثیر ترجمه بر عادلانه بودن دادرسی، یک آزمون ذهنی است. بنابراین باید ارزیابی نمود که آیا تضمین‌های حداقلی دادرسی عادلانه را ممکن می‌نماید یا از آن جلوگیری می‌کند. کارایی ترجمه باید بر اساس موارد زیر ارزیابی شود: ارائه اطلاعات به متهم، وقت کافی متهم و تسهیلات لازم برای آماده‌سازی دفاع، محاکمه بدون تأخیر ناروا، حق دفاع حضوری به‌وسیله وکیل، بازجویی و بازجویی متقابل شهود، کمک ترجمه برای متهمی که زبان دادگاه را درک نمی‌کند و حق متهم در برابر خوداتهامی.

مترجمان محاکم کیفری بین‌المللی، شرایط کاری بسیار پرفشاری را تحمل می‌کنند و با طیف وسیعی از زبان‌ها سروکار دارند که اکثر آن‌ها، نه مطالعه و نه استاندارد شده‌اند. این شرایط بر کیفیت ارتباطات در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی تأثیر می‌گذارند و به تبع آن، اعتبار دادرسی را به چالش می‌کشند (Namakula, 2014: 139). علاوه بر این، کاستی‌هایی در ترجمه مانند تغییرات، عدم دقت و اشتباهات ممکن است مبانی حقایق یک پرونده را مخدوش کند. سوءبرداشت‌ها نیز از پیچیدگی‌های فرهنگی یک فرایند ارتباطی چندزبانه ناشی می‌شود. هر زمان افرادی که در حال برقراری ارتباط هستند، فرهنگ، دانش، ارزش‌ها و فرضیات یکسانی نداشته باشند، احتمال سوءبرداشت زیاد است. ترجمه نه تنها نمی‌تواند این امکان ناگوار را از بین ببرد، بلکه آن را تکرار و اغلب آن را تشدید می‌کند.

ترجمه‌ها در داسراها و دادگاه همیشه قابل اعتماد نیستند. شخص متهم لزوماً در موقعیتی نیست که بتواند کیفیت ترجمه را ارزیابی کند. علاوه بر این، موضوع سوگیری مترجم نیز مطرح است. گاهی ترجمه ارائه‌شده در دادرسی، ناکافی، نامناسب و بد است. دادگاه به‌محض اینکه متوجه شود که تفسیر یا ترجمه ناقص است، باید دادرسی را متوقف کند و هیچ ارزشی برای آن جنبه خاص از مدارک وارد نکند و علیه متهم از آن استفاده ننماید. به‌طور کلی، هیچ تضمینی برای کیفیت ترجمه ارائه‌شده توسط مترجمانِ عمدتاً آموزش‌ندیده و کم‌دستمزد که در شرایط غیرحرفه‌ای کار می‌کنند، وجود ندارد. دادگاه‌ها باید اقدامات مشخصی برای حصول اطمینان از کیفیت ترجمه ارائه‌شده انجام دهند. به‌منظور ارتقای کیفیت ترجمه، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که مترجمان ملزم به رعایت محرمانه بودن ترجمه ارائه‌شده به متهمان هستند (Roadmap Practitioner Tools, 2015: 23). ترجمه ارائه‌شده به متهم باید از کیفیت کافی برای محافظت از عادلانه بودن دادرسی برخوردار باشد؛ به‌ویژه از طریق حصول اطمینان از اینکه افراد مظنون یا متهم از پرونده‌ای که علیه آن‌ها مطرح شده، آگاهی دارند و می‌توانند از حق دفاع خود استفاده کنند. به نظر می‌رسد چالش‌های زیر برای تفسیر و ترجمه قضایی متون حقوقی وجود دارد: دامنه نقش مترجم مبهم است، موضوع بسیار تخصصی و پیچیده است، ادغام نظام‌های حقوقی و فرهنگ‌های حقوقی در عدالت کیفری بین‌المللی وجود دارد، بافت یک متن حقوقی از معنایی ناپذیر است، درک بین فرهنگی برای ترجمه مؤثر ضروری است، استانداردهای قانونی سازی زبان‌ها محدود است، و رویه و دادرسی حقوقی دارای محدودیت‌های زمانی سختگیرانه است که منجر به ترجمه شتابزده می‌شود.

۲-۴. موانع و چالش‌های قانونی و قضایی ترجمه در دادرسی‌های کیفری

با فراهم کردن مترجم برای متهمی که از نظر زبانی ناتوان است، این امر فوراً دادرسی عادلانه را تضمین نمی‌کند. حتی داشتن مترجم مستلزم سطح کیفی حداقلی در رابطه با ترجمه ارائه‌شده به دادگاه است. در مواردی که این حداقل سطح برآورده نمی‌شود، بعید است که متهم به اندازه کافی زبان مورد استفاده دادگاه را درک کرده باشد تا بتواند

دادرسی عادلانه‌ای داشته باشد. بنابراین، همان‌گونه که دیوان اروپایی حقوق بشر مقرر داشته، با توجه به لزوم عملی و مؤثر بودن حق بر مترجم، تعهد مقامات ذی صلاح صرفاً با انتصاب و تعیین مترجم پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه باید آن‌ها بر نحوه کار مترجم کنترل داشته باشند و کفایت و توانایی او را مورد بررسی قرار دهند (ECtHR, 2011: para. 88). در نتیجه، تعهد مقامات صلاحیت‌دار، لزوم اطمینان از صلاحیت مترجم و کیفیت کافی ترجمه او را نیز در بر می‌گیرد. راهنمایی هنجاری کمی در سطح بین‌المللی در مورد ارزیابی صلاحیت یا عدم صلاحیت مترجم وجود دارد. در واقع، در رویه قضایی بین‌المللی صرفاً کیفیت ترجمه و نتیجه نهایی واقعی ترجمه حاصله اهمیت دارد و نه صلاحیت‌ها یا توانایی مترجم (ECtHR, 1989: 77). بنابراین مشکل اصلی در رابطه با خدمات مترجم در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، فقدان هرگونه خط‌مشی با مقررات اساسی در خصوص خدمات ترجمه است. در چارچوب قوانین کیفری بین‌المللی، هیچ شرط خاص یا مقرر قانونی در مورد سنجش کفایت مترجمی که دادرسی را به شخص متهم به زبانی که او درک می‌کند و از سوی دیگر به زبان کاری به دادگاه اعلام می‌کند، وجود ندارد.

میزان خطای مترجمان، گاهی به اندازه‌ای بالاست که استفاده از آن‌ها را در برخی شرایط، خطرناک‌تر از عدم وجود مترجم می‌کند. بنابراین برای دستیابی به عدالت در موضوعات کیفری مورد رسیدگی دادگاه‌ها، نیاز به یک چارچوب قانونی و تعیین استانداردهای حرفه‌ای برای مترجمان وجود دارد. مترجمان، متعهد به بی‌طرفی، استقلال و رازداری هستند. آن‌ها باید اصول اخلاقی و حیثیتی را محترم بشمارند و همواره نسبت به قضات، کارمندان دادگاه، دادستان، وکلا، شهود، متهمان یا هر کسی که در دادرسی دخیل است، رفتار حرفه‌ای داشته باشند.

در وضعیت‌هایی که خدمات ترجمه به‌وسیله افراد غیرحرفه‌ای ارائه می‌شود، نگرانی‌های جدی ممکن است ایجاد شود. در برخی موارد، نقض و عدم اجرای عدالت حتی ممکن است به دلیل مشکلات زبانی رخ دهد (Bacik, 2007: 09). این یک نگرانی خاص در دادرسی‌های کیفری است؛ چه به این دلیل که ترجمه نادرستی به زبان متهمان ارائه شود، و چه در مواردی که مدارک شهود به اشتباه ترجمه شوند.

ترجمه در حقوق یا دادگاه بسیار تخصصی است. مترجم دادگاه، با اسناد حقوقی و

عبارات و اصطلاحات اغلب پیچیده حقوقی سروکار دارد. مترجم دادگاه باید قادر باشد به زبان حقوقی پیچیده، سؤالات مبهم، اصطلاحات عامیانه و... بپردازد و بدیهی است که ترجمه ضعیف می‌تواند موفقیت متهمی را که زبان کاری دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را نمی‌فهمد، خدشه‌دار کند یا از بین ببرد. مترجم علاوه بر تسلط کامل به هر دو زبان متهم و زبان مقام قضایی که دادرسی به آن انجام می‌شود، باید با مفاهیم و اصطلاحات حقوقی نیز کاملاً آشنایی داشته باشد؛ وگرنه نمی‌تواند حقوق متهم را در مراحل دادرسی تضمین نماید (محمودی جانکی و جلیل‌پیران، ۱۴۰۰: ۳۲۴). هنگامی که چنین شخصی پیدا نشود، در حالت ایده‌آل باید ناظری برای مترجم فراهم شود که به‌طور همزمان ترجمه را انجام دهند. انتخاب مترجم مهم است؛ زیرا اگر مترجم وابسته به طرفین یا شرکت‌کنندگان در دادرسی باشد، بی‌طرفی ناظر می‌تواند بی‌اعتبار شود (Ogwezzy, 2016: 230).

در دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، دبیرخانه‌های دادگاه مسئول ترجمه شهادت شهود و ترجمه اسناد به زبان‌های کاری دادگاه بودند. برای این منظور، مدیر دفتر هر دو دادگاه، واحدهای ویژه زبان ایجاد کردند (Karton, 2008: 15) که بر امور ترجمه نظارت می‌کردند. تعهد به حصول اطمینان از اینکه تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی به زبان‌های رسمی و سایر زبان‌های کاری دیوان ترجمه شود، بر عهده مدیر دفتر دیوان و بخش ترجمه و خدمات مرتبط با زبان است که کمک‌ها و خدماتی زبانی لازم را به دادگاه ارائه می‌کنند (Sharma, 2020, para. 43) و بر موضوع صلاحیت مترجم و کیفیت ترجمه نیز نظارت می‌کنند. در این راستا، افراد داوطلب ترجمه در دیوان کیفری بین‌المللی، علاوه بر مهارت به زبان مادری انگلیسی/فرانسه و سطح عالی تسلط بر سایر زبان‌ها، باید دارای مدرک دانشگاهی پیشرفته در مترجمی، زبان، حقوق یا سایر موضوعات مرتبط، ۵ سال سابقه ترجمه یا ویراستاری (ترجیحاً حداقل دو سال آن در یک سازمان بین‌المللی)، درجه عالی تخصص در موضوعاتی که دادگاه با آن سروکار دارد (یعنی مسائل حقوقی، نظامی، پزشکی، مالی، اداری، پزشکی قانونی و حقوق بشری)، دانش اصطلاحات دادگاه کیفری بین‌المللی، تسلط کامل بر نرم‌افزارهای رایانه‌ای، توانایی اثبات‌شده برای کار مؤثر در زمان مشخص و ایفای نقش‌های مختلف در تیم ترجمه، مهارت‌های سازمانی، مدیریت زمان و... باشند (Tomić & Montoliu, 2013: 231-232).

مهارت‌های فوق و تخصص مترجمان، این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌کند که نظام حقوقی را به‌طور کارآمدتر و مؤثرتر هدایت کنند.

۵. پیامدهای ارزیابی حق بر ترجمه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی

عناصر مختلف حق دادرسی عادلانه جنبه‌هایی دارد که می‌تواند تحت تأثیر عملکرد مترجم و حق بر ترجمه قرار گیرد. مسلّم است به‌عنوان یک حق رویه‌ای و بخش رسمی از حق دادرسی عادلانه، حق داشتن مترجم برای تضمین تحقق دادرسی عادلانه است. با این حال، مفهوم دادرسی عادلانه نسبتاً گسترده است و انواع مختلفی از حقوق اساسی را در بر می‌گیرد که همه آن‌ها به‌طور مؤثر توسط حق برخورداری از مترجم محقق نمی‌شود. اما تضمین‌های خاصی وجود دارد که با حق داشتن مترجم امکان‌پذیر می‌شود. زبان و ترجمه برای اعمال مؤثر و تضمین حق حضور، حق برخورداری از امکانات کافی جهت تهیه دفاعیه، اصل تساوی ابزار و امکانات، حق دفاع و رویارویی با شهود و بازجویی از آن‌ها، لازم و ضروری است. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۱۳ اظهار داشت حق داشتن مترجم برای کاهش مشکلات زبانی است که ممکن است مانعی بزرگ بر سر راه حق دفاع باشد (Human Rights Committee, 1994: para. 13). به این ترتیب، می‌توان گفت که حق برخورداری از مترجم، خود به معنای تضمین اجرای مؤثر حق دفاع است. این حق را می‌توان شامل تضمین‌های مختلفی از جمله حق حضور در محاکمه خود و شرکت در آن دانست. بر اساس حق دفاع، همه افراد متهم به یک جرم کیفری، از حق اولیه و نامحدود برای حضور در دادگاه و دفاع از خود برخوردارند (Nowak, 2005: 339). حضور در محاکمه خود، صرفاً با حضور فیزیکی متهم برآورده نمی‌شود؛ بلکه متهم باید بتواند روند رسیدگی را درک کند. اما حضور متهم از لحاظ زبانی و فیزیکی برای تضمین دادرسی عادلانه کافی نیست. متهم باید بتواند در دادرسی از خود دفاع نماید. بنیان پرونده بر اساس اظهارات طرفین دعوی شکل می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۴۴). در این خصوص، در مواردی که متهم قادر به برقراری ارتباط مؤثر با دادگاه یا وکیل خود نیست، مترجم دادگاه ابزاری مهم و ضروری، هم برای مشارکت متهم در فرایند دادرسی و هم دفاع از خود در دادگاه است (Trechsel, 2005: 328).

هدف دوم از حق داشتن مترجم، حمایت از مفهوم برابری در محضر دادگاه است. بند ۱ ماده ۱۴ میثاق به طور خاص تضمین می‌کند که همه افراد در برابر دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری مساوی هستند. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۲، این اصل کلی را به دو حق متفاوت اما مرتبط با هم، یعنی حق دسترسی به دادگاه‌ها و حق برابری سلاح‌ها تفسیر می‌نماید. هریک از این حقوق خاص، مستلزم این است که با متهم رفتاری برابر با طرف مقابل (مقام تعقیب) و هر فرد دیگری که موقعیتی مشابه با متهم دارد، بشود (Human Rights Committee, 2007: para. 14). کمیته این مقرر را به گونه‌ای تفسیر نموده است که برابری زبانی متهم در مقابل هر متهم دیگری در دادگاه با اتهامات مشابه تضمین شود (Human Rights Committee, 1994: para. 13). دیوان اروپایی حقوق بشر به زبانی مشابه، هدف از این حق را کاهش آسیب (از جانب متهم آگاه به زبان دادگاه) به متهمی می‌داند که زبان مورد استفاده دادگاه را درک نمی‌کند (ECtHR, 1978: 42). مفهوم برابری در محضر دادگاه، به برابری زبانی متهم در برابر دادستان و مقام تعقیب نیز تسری پیدا می‌کند؛ بنابراین اصل برابری سلاح‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

تأثیر ترجمه بر فرایند دادرسی، یک جنبه ذاتی است که با هیچ ابزار عملی قابل حل نیست. حتی حضور و وجود نمایندگی حقوقی و وکیل نیز نمی‌تواند فقدان ترجمه در دادرسی‌های چندزبانه را جبران کند. حق ترجمه به سایر تضمین‌های دادرسی منصفانه مرتبط است. اصل تساوی سلاح‌ها حکم می‌کند که متهم در موقعیتی برابر با مقام تعقیب و همچنین سایر متهمان مشابه قرار گیرد. از آنجا که هم نهاد تعقیب و هم متهمان دارای صلاحیت زبانی، قادر به درک و برقراری ارتباط آزادانه با دادگاه هستند، ترجمه باید تا آنجا که ممکن است، متهم را در یک موقعیت مشابه قرار دهد. برای تحقق و اجرای مؤثر دادرسی عادلانه، ترجمه‌ای جامع از دادرسی و شواهد لازم است. ترجمه جامع و مناسب برای حصول اطمینان از مشارکتِ واقعاً فعالِ متهم در دادرسی ضروری است؛ همان‌گونه که حق بر دادرسی توافقی و حق آگاهی فوری از علت و ماهیت اتهام لازم است. هر چیزی کمتر، مسلماً فرد را از جریانات واقعی دادگاه برای مشارکت مؤثر دور می‌کند. اگر متهم درک کاملی از روند دادرسی نداشته باشد، نمی‌تواند بر نتیجه کار تأثیر بگذارد. این امر، هم پذیرش نتیجه را تضعیف می‌کند و هم توانایی متهم را برای اینکه

واقعاً عاملی در روند رسیدگی باشد. اهمیت ترجمه برای دادرسی عادلانه در حقوق کیفری بین‌المللی، بیشتر با عدم شناسایی این حق و حذف آن نشان داده می‌شود. اگر حضور متهم در دادرسی کیفری بدون پیش‌بینی حق بر مترجم حاصل شود، در نتیجه طرح موضوع انکار و سلب حق بر مترجم، بیهوده به نظر می‌رسد. اگر مظنون نیاز به برقراری ارتباط از طریق ترجمه داشته باشد و این ترجمه، امکان ارتباط مؤثر را فراهم نکند، خطر دادرسی ناعادلانه به وجود می‌آید. مظنون / متهم ممکن است سؤالات را اشتباه متوجه شود و به اشتباه پاسخ دهد و پاسخ‌های او ممکن است اشتباه تعبیر شود. ممکن است اظهاراتی بیان شود که به دلیل ترجمه بد، مجرمانه به نظر برسد و ممکن است تناقضات واقعی در برابر اظهارات بعدی ایجاد شود که به اعتبار شخص و چشم‌انداز دفاع آن‌ها لطمه بزند. نقض حق بر ترجمه، چه به دلایل قانونی یا عرفی، زمانی که نقض به‌منزله انکار حق دادرسی عادلانه تلقی شود، محاکمه را باطل می‌نماید. نقض حق بر ترجمه، به‌طور خودکار نشان‌دهنده بی‌عدالتی در دادرسی کیفری قلمداد می‌شود. با این حال، محاکم تمایل ندارند که انکار حق بر ترجمه را به‌عنوان الغای یک حق اصلی یا ماهوی فی‌نفسه تلقی کنند؛ بلکه به‌عنوان نفی دادرسی عادلانه تلقی می‌کنند (Brown-Blake, 2006: 394). یک محاکمه ناعادلانه می‌تواند برای یک متهم بسیار مخرب و ویرانگر باشد؛ آزادی او را از بین ببرد، آبرو و شهرت او را نابود کند و حتی حیات و جان وی را بگیرد. دادرسی‌های ناعادلانه به کل جوامع نیز آسیب می‌رسانند؛ زیرا از آن‌ها برای تضعیف دموکراسی و سرکوب اقلیت‌ها استفاده می‌شود (Clooney & Webb, 2021: 1).

حق ترجمه اساساً به دو جنبه از حاکمیت قانون، یعنی دسترسی به عدالت و عادلانه بودن دادرسی مرتبط است. اگر متهم نتواند زبان دادگاه را درک کند یا نتواند در دادرسی مشارکت کند، دسترسی به عدالت بی‌معنا خواهد بود. حامیان حاکمیت قانون، دسترسی به عدالت و محاکم را به‌عنوان یکی از عناصر آن بر شمرده‌اند (Waldron, 2010: 73; O'Donnell, 2004: 32). بر این اساس، دسترسی به مترجم به شیوه‌ای دوگانه و به‌طور منطقی با حاکمیت قانون مرتبط است؛ به‌عنوان یک حق بشری و به‌عنوان بخشی از حق دسترسی متهمان به دادگاه و به‌طور کلی حق دسترسی به عدالت

(Vogiatzis, 2022, 5). اعمال محدودیت بر حق بر ترجمه، دسترسی به عدالت را تضعیف می‌کند. اگر متهم با داشتن وکیل نتواند زبان دادگاه را درک کند یا در دادرسی شرکت نماید، دسترسی مؤثر به عدالت و دادگاه برای وی امکان‌پذیر نیست. بنابراین همان‌گونه که دیوان اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد، اگر متهم قادر به درک زبان مورد استفاده دادگاه نباشد یا نتواند در دادرسی مشارکت نماید، در چنین وضعیتی وکیل نمی‌تواند نقش مترجم را برای وی به عهده بگیرد (Cuscani v. UK, 2002: paras. 38-39).

محافظ نهایی عادلانه بودن دادرسی، قضات هستند که به‌روشنی از مشکلات واقعی که فقدان مترجم می‌تواند برای متهم ایجاد کند، آگاه‌اند. وظیفه قاضی این است که به بهترین شکل ممکن به حقیقت دست یابد. این تنها زمانی امکان‌پذیر است که ارتباط از طریق مترجم به‌آرامی و بدون مشکل انجام شود. مترجمان حقوقی ماهر می‌توانند به برقراری ارتباط دقیق متهم و قاضی در دادرسی‌های کیفری کمک کنند (Transatlantic Translations Group, 2023: 2). از این رو، حق داشتن مترجم، کلیدی برای فتح باب در ارتباط متهم و قاضی است. در نهایت، ترجمه چهار کارکرد اصلی دارد: تحقیق در مورد جرایم بین‌المللی را تسهیل می‌کند، حضور واقعی شخص متهم در دادگاه را با حذف موانع زبانی برای درک دادرسی تضمین می‌کند، به همکاری متخصصان بین‌المللی و دیگر مشارکت‌کنندگان در یک دادرسی کمک می‌کند؛ چراکه قضات بین‌المللی کاملاً به ترجمه وابسته هستند و ترجمه جامعه بین‌المللی را قادر می‌سازد تا روند رسیدگی را دنبال کنند.

نتیجه‌گیری

این مقاله، اهمیت مداخله مترجم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی چندزبانه را که زبان ارتباط برای شخص متهم نامعلوم است، آشکار کرد. اهمیت و ضرورت حق بر مترجم، اگر بیش از عدالت ماهوی نباشد، به یقین کمتر از آن نیست؛ زیرا در سایه برخورداری از این حق است که شرایط برای تضمین سایر حقوق شکلی و به‌طور خاص دادرسی عادلانه فراهم می‌شود. رویه محاکم کیفری بین‌المللی به‌وضوح نشان می‌دهد که الزام عرفی و قانونی مبنی بر پذیرش همه افرادی که در دادرسی شرکت می‌کنند،

بدون توجه به موانع زبانی و فرهنگی آن‌ها وجود دارد. این امر با حق دفاع متهم برای اطلاع فوری و به تفصیل از ماهیت، علت و محتوای اتهام به زبانی که به طور کامل درک و صحبت می‌کند، تضمین شده است. این یک حق غیرقابل مذاکره است که همیشه باید رعایت شود و در مواقع اضطراری نیز غیرقابل تخطی است.

به رسمیت شناختن حق برخورداری از مترجم به عنوان هنجار بنیادین حقوق بین‌الملل، هم از جنبه نظری برای روشن نمودن حقوق کیفری بین‌المللی مهم است و هم در عمل برای افراد متهمی که فاقد یک تریبون یا مجمع بین‌المللی^۱ هستند که بتوانند از حقوق آن‌ها حمایت و دفاع نماید. حق داشتن مترجم بر اساس قواعد بین‌المللی در رابطه با متهمانی اعمال می‌شود که ناتوانی زبانی به آن‌ها اجازه درک یا مشارکت در دادرسی مورد نظر را نمی‌دهد. حق متهم ناتوان زبانی برای داشتن یک مترجم به عنوان یک حق شکلی، به معنای حمایت یا ارتقای هیچ زبان یا هویت زبانی نیست؛ بلکه منطبق این حق، توانمندسازی متهم برای برقراری ارتباط مؤثر از طریق فراهم کردن ترجمه‌ای مناسب از دادرسی است تا بتواند دادرسی را درک کرده و در آن مشارکت نماید. ترجمه به مشارکت گروهی چندزبانه و چندملیتی در یک دادرسی کیفری بین‌المللی کمک می‌کند. استفاده از مترجمان دادگاه در تعقیب یک دادرسی عادلانه می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی داشته باشد. ترجمه نه تنها ابزاری برای اشاعه دادرسی‌های کیفری بین‌المللی به جامعه بین‌المللی است، بلکه فرایندهای ترجمه به طور کلی به افزایش کیفیت آراء یا تصمیمات کمک می‌کند. همچنین در دادگاه‌های کیفری، ترجمه باعث مشارکت فعال طرفین در دادرسی و کمک به کار قضات می‌شود. پاتریشا والد، قاضی سابق دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق، با اظهار تأسف بیان می‌دارد:

«من هیچ قاضی را در یک محکمه بین‌المللی نمی‌شناسم که اذعان نکند که در دادگاه کاملاً اسیر و دستخوش مترجم است» (Wald, 2006: 1570-1571).

حق برخورداری از مترجم، یک حق مستقل نیست؛ بلکه ابزاری برای تحقق مؤثر یک حق موسع‌تر، یعنی حق دادرسی عادلانه است. در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

1. International forum.

و حتی اسناد حقوق بشری، زمانی که شخصی متهم به یک جرم کیفری است و تحت تعقیب قرار می‌گیرد، حق کمک‌مترجم یا مفسر پیش شرط اساسی در تضمین برگزاری یک محاکمه عادلانه است. اگر شخص متهم نتواند زبان دادرسی را درک یا در آن مشارکت کند، محاکمه عادلانه‌ای وجود ندارد. بنابراین هرگونه تفسیری از آنچه حق بر مترجم مستلزم آن است، لزوماً با درک آنچه حق بر دادرسی عادلانه ایجاب می‌نماید، مرتبط است. از بررسی اسناد و رویه قضایی بین‌المللی می‌توان دریافت که عدالت کیفری بین‌المللی تلاش زیادی برای تضمین حق برخورداری متهم از ترجمه در دادرسی‌ها صورت داده است. بین‌المللی شدن دادگاه‌های کیفری، ترجمه را به ابزاری ضروری تبدیل کرده است. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در مورد دامنه حق بر ترجمه، اختلاف‌نظر ماهوی نداشتند و به‌طور کلی پذیرفتند که ترجمه برای تضمین اصول عادلانه بودن ضروری است. این یک الزام اساسی حاکمیت قانون است، هم به‌عنوان بخشی از دسترسی به دادگاه‌ها و هم به‌عنوان بخشی از عادلانه بودن دادرسی. هرگونه رسیدگی کیفری از جمله در مرحله بازجویی، حین محاکمه و تجدیدنظر قابل اجرا باشد. مقامات دخیل در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی باید اطمینان حاصل کنند که مظنونین یا متهمانی که به زبان دادرسی صحبت نمی‌کنند یا زبان دادرسی را درک نمی‌کنند، بدون تأخیر، در مرحله تحقیقات مقدماتی و نزد مراجع قضایی، در تمام جلسات دادگاه و هر جلسه موقت ضروری دیگر، از خدمات مترجم به‌رایگان بهره‌مند شوند. بنابراین حتی زمانی که متهم، مشکلات زبانی خود را به دادگاه اطلاع نداده یا وکیل مدافع به دادگاه اطمینان داده که متهم به کمک زبانی نیاز ندارد، این قاعده می‌تواند نقض شود. بایستی اطمینان حاصل شود که رویه یا سازوکاری برای تعیین اینکه آیا شخص مظنون یا متهم که به زبان دادرسی صحبت نمی‌کند یا نمی‌تواند آن را درک کند و اینکه آن‌ها به کمک مترجم نیاز دارند، فراهم شود. تصمیم نهایی در خصوص صلاحیت زبانی متهم به صلاح‌دید قضایی وابسته است. البته اجرای عملی این حق به شیوه‌ای نامناسب توسط قضات، با اختیار گسترده‌ای که دادگاه‌ها برای تصمیم‌گیری در خصوص توانایی‌های زبانی متهمان به آن‌ها اعطا کرده است، باعث محدود شدن

اثربخشی عملیِ حق داشتن مترجم شده است.

با بررسی دقیق تعهدات دولت‌ها در قالب اسناد و رویه کیفری بین‌المللی برای ارائه ترجمه، صرف‌نظر از نوع جرم و طبقه‌بندی آن در نظم کیفری بین‌المللی، بایستی به آن استناد شود. علی‌رغم آنکه در مقررات مربوطه، هیچ استاندارد یا الزام خاصی نسبت به حق بر ترجمه تجویز نشده است، اما این حق باید عملی و مؤثر باشد؛ بدین معنا که دولت‌ها تعهدات مثبتی فراتر از زمان تعیین مترجم دارند؛ به‌ویژه آن‌ها نه تنها بایستی درجه‌ای از کنترل را بر روند رسیدگی اعمال نمایند تا اطمینان حاصل شود که ترجمه مطابق استانداردهای موجود است، بلکه همچنین از صلاحیت مترجم و کیفیت کافی ترجمه اطمینان حاصل نمایند؛ چرا که عدم کیفیت ترجمه می‌تواند حقوق اساسی متهمان یعنی حمایت قضایی مؤثر، رعایت تشریفات قانونی و حتی فرض بی‌گناهی را تضعیف کند. مهم‌تر از همه، دولت‌ها همچنین موظف هستند که شخص متهم را از حق خود برای ترجمه مطلع نمایند. این امر به فرد متهم امکان می‌دهد که به‌طور مؤثر در دادرسی شرکت نماید.

تفسیر تحت‌اللفظی اسناد کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که دولت‌ها موظف به ارائه ترجمهٔ تمامی شواهد یا اسناد رسمی در دادرسی نیستند. آنچه برای محاکم کیفری اهمیت دارد این است که شخص متهم باید بتواند پرونده علیه خود را درک کند، از خودش دفاع کند و به‌ویژه قادر باشد روایت خودش از وقایع را در مقابل دادگاه توضیح دهد. متهمانی که به زبان دادرسی صحبت نمی‌کنند، به‌طور خاصی آسیب‌پذیر هستند. به‌طور هم‌زمان، کاهش کمک‌های حقوقی و تأخیر در اجرای تعهدات دولت‌ها براساس قوانین، دسترسی به عدالت را برای افراد چالش‌برانگیزتر می‌کند و البته، همه‌گیری جهانی چالش‌های جدیدی (شبه کرونا) را برای دسترسی به عدالت در حوزه کیفری ایجاد کرده و خواهد کرد. دادگاه‌ها باید از فناوری و ترجمهٔ ویدئویی از راه دور در زمانی که مترجم حضوری واجد شرایط در دسترس نباشد، استفاده نمایند که به آن‌ها امکان ترجمه را بدهد. بنابراین زمانی که قرار است حق ترجمه در جلسات استماع حضوری فراهم شود، باید در جلسات استماع برخط یا ترکیبی نیز به‌صورت رایگان، این حق تضمین و تسهیل شود. این امر نه تنها امکان دسترسی به بهترین مترجمان را به دادگاه‌ها می‌دهد، بلکه همچنین به شیوه‌های مختلفی به افزایش کیفیت کلی ترجمه کمک می‌کند.

کتاب‌شناسی

۱. ابراهیمی، شهرام، «پیشگیری از تکرار جرم از طریق هوش مصنوعی؛ مقتضیات و محدودیت‌ها»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال نوزدهم، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۴۰۱ ش.
۲. بابایی، محمدعلی، و علی افراسیابی، «حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش.
۳. توسلی نائینی، منوچهر، قدرت‌الله خسروشاهی، و زهره نصراللهی، «اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتادم، شماره ۹۴، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۴. جعفرزاده درابی، صادق، «شاخص‌های دادرسی عادلانه در رویه مراجع نظارتی حقوق بشر»، تهران، پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۷ ش.
۵. سافرلینگ، کریستوف، *آیین دادرسی کیفری بین‌المللی*، ترجمه قباد کاظمی، تهران، میزان، ۱۳۹۷ ش.
۶. شاهد، بهارک، و نسرين مهرا، «برخی از جلوه‌های بارز الگوی دادرسی منصفانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، *دوفصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۷. صابر، محمود، *آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی*، تهران، دادگستر، ۱۴۰۱ ش.
۸. همو، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، سال سیزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۶۳)، ۱۳۸۸ ش.
۹. فتحی، محمدجواد، و دادیار هادی، «جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه»، *فصلنامه فقه و حقوق اسلامی*، سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۰. فضائلی، مصطفی، *دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. کرایر، رابرت، هاکان فریمن، داریل رابینسون، و الیزابت ویلمز هورست، *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری*، ترجمه حسین فخر و داود کوهی، تهران، مجد، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. محمودی جانکی، فیروز، و علی‌اکبر جلیل‌پیران، «تفهم اتهام در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ش.

A. Books:

13. Alie, Joe A.D., *A New History of Sierra Leone*, Seatac, J & M Publishers, 1985.
14. Clooney, Amal & Philippa Webb, *The Right to a Fair Trial in International Law*, Oxford University Press, 2021.
15. Delmas-Marty, Mireille & John R. Spencer, *European Criminal Procedures*, Cambridge University Press, 2002.
16. Edwards, Alicia B., *The Practice of Court Interpreting*, Amsterdam-Philadelphia, John Benjamins Publishing Company, 1995.
17. John Henry, Dingfelder Stone, *Court Interpreters and Fair Trials*, Germany, Palgrave Macmillan, 2018.

18. Maga, Timothy P., *Judgement at Tokyo: The Japanese War Crimes Trials*, Lexington Kentucky, University Press of Kentucky, 2001.
19. Mole, Nuala & Catharina Harby, *The right to a fair trial: A guide to the implementation of Article 6 of the European Convention on Human Rights*, Council of Europe, 2006.
20. Namakula, Catherine S., *Language and the Right to Fair Hearing in International Criminal Trials*, Switzerland, Springer, 2014.
21. Nowak, Manfred, *U.N. Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary*, Kehl, Engel, 2005.
22. Olsen, Frances & Alexander Lorz & Dieter Stein (Eds.), *Translation Issues in Language and Law*, New York, Palgrave Macmillan, 2009.
23. Swart, Mia, *Judges and Lawmaking at the International Criminal Tribunals for the Former Yugoslavia and Rwanda*, Johannesburg, Bakwena Printers, 2006.
24. Trechsel, Stefan (With the assistance of Sarah J. Summers), *Human Rights in Criminal Proceedings*, Oxford, Oxford University Press, 2005.
25. White, Boyd, *Justice as Translation: An Essay in Cultural and Legal Criticism*, Chicago, University of Chicago Press, 1990.

B. Articles:

26. Almqvist, Jessica, "The Impact of Cultural Diversity on International Criminal Proceedings," *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 4(4), September 2006.
27. Bacik, Ivana, "Breaking the Language Barrier: Access to Justice in the New Ireland," *Judicial Studies Institute Journal*, Vol. 2, February 2007.
28. Bîrzu, Bogdan, "The right to interpretation and translation within criminal proceedings in the European Union. Comparative examination. Critical opinions," *Juridical Tribune*, Vol. 6(1), June 2016.
29. Brown-Blake, Celia, "Fair Trial, Language and the Right to Interpretation," *International Journal on Minority and Group Rights*, Vol. 13(4), 2006.
30. Karton, Joshua, "Lost in Translation: International Criminal Tribunals and the Legal Implications of Interpreted Testimony," *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 41(1), January 2008.
31. McEvoy, Gearóidín, "Language proficiency and the right to an interpreter when accessing a fair trial," *The International Journal for Translation & Interpreting Research*, Vol. 15(2), 2023.
32. Nartowska, Karolina, "The role of the court interpreter: a powerless or powerful participant in criminal proceedings?," in: *The Interpreters' Newsletter*, No. 20, Trieste, EUT Edizioni Università di Trieste, 2016.
33. O'Donnell, Guillermo, "The Quality of Democracy: Why the Rule of Law Matters,"

Journal of Democracy, Vol.15(4), October 2004.

34. Ogwezy, Michael Chukwujindu, "Communication of an interpreter and fair trial under nigerian criminal justice system," *International Journal of Legal Discourse*, Vol. 1(1), April 2016.
 35. Schmalz, Dana, "Beyond an Anxiety Logic: A Critical Examination of Language Rights Cases before the European Court of Human Rights," *Human Rights Law Review*, Vol. 20(1), April 2020.
 36. Sharma, Kritika, "Translation of Judgments: International Criminal Court (ICC)," *Max Planck Encyclopedias of International Procedural Law*, June 2020.
 37. Sherman, Julia, "The Right to an Interpreter under Customary International Law," *Columbia Human Rights Law Review*, Vol. 48(3), 2017.
 38. Swigart, Leigh, "Linguistic and Cultural Diversity in International Criminal Justice: Toward Bridging the Divide," *The University of the Pacific Law Review*, Vol. 48(2), 2017.
 39. Tomić, Alexandra & Ana Beltrán Montoliu, "Translation at the International Criminal Court," *New Trends in Translation Studies*, Vol. 1, 2013.
 40. Transatlantic Translations Group, "The Importance of Legal Translation, A Global Solution Bringing Translations to Life," New York, May 2023.
 41. Vogiatzis, Nikos, "Interpreting the Right to Interpretation under Article 6(3)(e) ECHR: A Cautious Evolution in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights?," *Human Rights Law Review*, Vol. 22(1), March 2022.
 42. Wald, Patricia M., "Running the Trial of the Century: The Nuremberg Legacy," *Cardozo Law Review*, Vol. 27(4), February 2006.
 43. Id., "The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia Comes of Age: Some Observations on Day-To-Day Dilemmas of an International Court," *Washington University Journal of Law & Policy*, Vol. 5, 2001.
 44. Waldron, Jeremy, "The Rule of Law and the Importance of Procedure," New York University School of Law, *Public Law & Legal Theory Research Paper Series*, Working Paper No. 10-73, October 2010.
 45. Wanhong, Zhang, "From Nuremberg to Tokyo: Some Reflections on the Tokyo Trial (On the Sixtieth Anniversary of the Nuremberg Trials)," *Cardozo Law Review*, Vol. 27(4), February 2006.
 46. Waterhouse, Kate, "Interpreting Criminal Justice: A Preliminary Look at Language, Law and Crime in Ireland," *Judicial Studies Institute Journal*, Vol. 2, July 2009.
- C. Documents & Cases:**
47. African Commission on Human and Peoples' Rights, Resolution on the Right to Recourse and Fair Trial, Eleventh Session, 2-9 March 1992.

48. Charter of the International Military Tribunal (London Agreement), 1945.
49. Charter of the International Military Tribunal for the Far East, 1946.
50. Cuscani v. UK, Application 32,771/96, 24 September 2002.
51. ECtHR, Hacıoglu v. Romania, App. No. 2573/03, Judgment of 11 January 2011.
52. ECtHR, Luedicke, Belkacem & Koç v. Germany, Series A, No. 29, 28 November 1978.
53. HRC, Harward v. Norway, Communication No. 451/1991, U.N. Doc. CCPR/C/51/D/451/1991 (15 July 1994).
54. Human Rights Committee, General Comment No. 13 (Article 14), U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1., 1994.
55. Human Rights Committee, General Comment No. 32 (Article 14), U.N. Doc. CCPR/C/GC/32, 2007.
56. ICTR, Akayesu Case Judgment (2 September 1998).
57. ICTR, Prosecutor v. Bagilishema, Case No. ICTR 95-1A, Judgement, 3 July 2002.
58. ICTR, Prosecutor v. Rutaganda, Case No. ICTR 96-3-A, Judgement, 26 May 2003.
59. ICTY Translation and Interpretation, <<https://www.icty.org/sid/165>>.
60. ICTY, Prosecutor v. Kunarac, Case No. IT-96-23 & 23/1, Judgement, 2002.
61. ICTY, Prosecutor v. Kupreskid, Case No. IT-95-16-A, Appeals Judgement, 2001.
62. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.
63. Law on the Establishment of the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia, 2004.
64. Lawyers Committee for Human Rights, What is a Fair Trial? A Basic Guide to Legal Standards and Practice, New York, 2000.
65. Prosecutor v. Bemba Gombo, ICC, Case No. ICC-01/05-01/08-424, 15 June 2009.
66. Prosecutor v. Katanga, ICC, Case No. 01/04-01/07(OA3), 27 May 2008.
67. Prosecutor v. Katanga, ICC-01/04-01/07, 7 March 2014.
68. Prosecutor v. Lubanga Dyilo, ICC, Pre-Trial Chamber I, Case No. ICC-01/04-01/06-268, 2006.
69. Roadmap Practitioner Tools: Interpretation and Translation Directive, Co-funded by the Criminal Justice Programme of the European Commission, 2015.
70. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, 1994.
71. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1993.
72. Statute of the Special Court for Sierra Leone, 2000.
73. Statute of the Special Tribunal for Lebanon, 2007.
74. Translation Theory and Practice' Summer Institute of Linguistics, <<http://www.sil.org/translation/TrTheory.htm>>.
75. Zeynalov v. Estonia, U.N. Doc. CCPR/C/115/D/2040/2011 (2015).